

پرتوی از فضایل حضرت زهرا در تفسیر روض الجنان و ...

<"xml encoding="UTF-8?">

فاطمه زهرا علیهاالسلام دختر پیامبر اکرم، سیمای پرفروغ ایمان، نمونه روشن تقوا، و اسوه تمام عیار زن مسلمان است. در فضیلت آن بانوی بزرگوار نویسندگان مذاهب اسلامی روایتها آورده اند که هر یک بیانگر گوشه ای از عظمت روحی آن نور مبین و گوهر ثمین است. مسلمانان نیک نهاد عموماً و شیعیان شیفته جان خصوصاً عشق محمد و آل محمد را پیوسته در سویدای دل نهفته داشته اند. در طول قرون با دل و جان به خاندان رسالت عشق ورزیده و جلوه های این مهرورزی را با خامه اخلاص رقم زده اند.

از جمله عالم نامور شیعه حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی در تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن علاوه بر مطالب متنوع لغوی، فقهی، کلامی، ادبی در فضیلت خاتون دو جهان حضرت صدیقه کبری روایتها آورده است، همچنین ذکر و نقل روایت از امامان «امام علی، امام حسن، امام حسین، علی بن الحسین، ابوجعفر محمد بن علی، جعفر بن محمد الصادق، علی بن موسی الرضا علیهم السلام» (1) در تفسیر گرانقدر کشف الاسرار و عدة الابرار بیانگر علاقه و گرایش ابوالفضل رشیدالدین میبیدی به آن انوار پاک است. در این جا برای نشان دادن هم آوایی مفسران شیعی و سنی در ذکر مناقب و فضایل حضرت فاطمه، به عنوان نمونه شواهدی از دو تفسیر فوق ارائه می گردد.

حضرت فاطمه علیهاالسلام و توبه حضرت آدم علیه السلام

می دانیم که اندیشه جاودانگی به قدمت حیات بشر است. نخستین وسوسه شیطان نیز از همین روزنه و بدین شکل صورت می پذیرد که ابتدا شیطان با سوگند خود را خیرخواه آدم و حوا می نمایاند (2) و سپس سبب نهی پروردگار را از نزدیک شدن به شجره خلد، فرشته شدن یا جاودانگی آن دو القا می کند (3) چون آن دو مبتلا به ترک مندوب شدند توبه کردند و ندای «ربنا ظلمنا» از جان برآوردند تا رحمت حق در کسوت «کلمات» (4) و تماثیل نور متجلی شد. در این باب صاحب تفسیر عظیم روض الجنان چنین آورده است: «چون خدای تعالی آدم را بیافرید و حیات در او آفرید... بر ساق عرش اشباحی و تماثیلی از نور دید که بر بالای سر هر یک نوشته بود: محمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین. آدم گفت: بار خدایا پیش از من بر صورت من خلقی آفریدی؟ گفت: نه. گفت: اینان که اند؟ گفت: فرزندان تواند ولولاهم لما خلقتک و اگر نه ایشانندی تو را خود نیافریدی. گفت: بار خدایا گرامی بندگانند بر تو. گفت: ای آدم این نامها یاد گیر تا در وقت درماندگی مرا به این نامها بخوانی تا فریادت رسم. آدم این نامها یاد گرفت. چون این ترک مندوب کرد و خواست تا از آن توبه کند، گفت: بار خدایا به حق محمدصلی الله علیه وآله و علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام والحسن علیه السلام والحسین علیه السلام به حق این بزرگان که توبه من قبول کنی. خدای تعالی توبه آدم قبول کرد فهذه هی الکلمات». (5)

علمای اهل سنت همانند علمای شیعه به دوستی اهل بیت مباهات کرده و در این خصوص به روایات متعدد استناد کرده اند. زمخشری در تفسیر کشاف ذیل آیه ای که مودت ذوی القربی را اجر رسالت شمرده، (شوری 23/

حدیث مفصلی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که مطلع آن چنین است: «من مات علی حب آل محمد مات شهیدا». (6) از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز سؤال شد محبت چه کسانی به موجب آیه «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (شوری 23) بر ما واجب شده؟ حضرت بیان فرمودند: علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و ابناهما». (7)

حدیث کساء و حضرت فاطمه علیها السلام

مراد از اهل بیت در آیه تطهیر (سوره احزاب/33) پنج تن آل عباست در این خصوص قول پیامبر که از منابع اهل سنت نیز نقل شده است کافی است که فرمود: «این آیه درباره من و علی و حسن و حسین و فاطمه نازل شده است» (8) میبیدی نقل می کند که: «رب العالمین منت می نهد بر مصطفی عربی که خواست ما و حکم ما آن است که اهل بیت تو پاک باشند از هر چه آلائش خلقت است و اوساخ بشریت تا «از خانه به کدخدای ماند همه چیز». الطبیات للطیبین والطیبون للطبیات و در همان تفسیر از قول ام سلمه آورده است: چون آیه تطهیر نازل شد «فارسل رسول الله الی فاطمة و علی والحسن والحسین فقال هؤلاء اهل بیته» (9) در تفسیر روض الجنان هم می خوانیم: «رسول -علیه السلام- حسن علیه السلام را بر دست راست خود نشاند و حسین را بر دست چپ و علی را و فاطمه را در پیش روی، آن گه گلیمی خیبری بر ایشان افکند و گفت: اللهم لكل نبی اهل و هؤلاء اهلی، در حال خدای تعالی این آیت فرستاد (.. انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا» (10)

با وجود قدر و شان عظیم ام سلمه و تایید نیک نهادی او توسط پیامبر از همراهی با پنج تن منع می شود ولی جبرئیل با حسن قبول «انت منا» (11) با نورانیتی مضاعف به ملکوت پرواز می نماید و در آسمانها می نازد و فخر می کرد و می گفت: «من مثلی وانا فی السماء طاووس الملائكة و فی الارض من اهل بیت محمد» یعنی چون من کیست که در آسمان رئیس فرشتگانم و در زمین از اهل بیت محمد خاتم پیغامبرانم؟» (12)

مباهله و حضرت فاطمه علیها السلام

چون سران مسیحی شهر نجران از قبول حقیقت سرباز زدند و بر این پندار که عیسی علیه السلام فرزند خداست پای فشردند به پیامبر اکرم وحی شد تا با آنان مباهله کند، ماجرای مباهله با حضور باشکوه پیامبر و چهار نور پاک به شرح زیر صورت پذیرفت:

«حضرت پیامبر و علی و حسنین از پیش می رفتند و فاطمه -علیها السلام- بر اثر ایشان می رفت تا به صحرا شدند. ترسایان بیامدند و اسقف ایشان از پیش ایستاد. اسقف گفت: اینان که اند از محمد. گفتند: آن برنا پسر عم و داماد اوست بر دخترش و آن زن دختر اوست و آن کودکان دخترزادگان اویند. اسقف به ترسایان نگرید و گفت: بنگرید که محمد چگونه واثق است که به مباهله فرزندان و خاصگان خود را آورده است. از مباهله او حذر کنید که اگر نه مکان قیصر بودی من اسلام آوردمی، رویها دیدم که اگر از خدا بخواستندی تا کوهها را از جای ببرند اجابت کردی». (13)

رشیدالدین فضل الله میبیدی در ذیل آیه مبارکه: «فقل تعالوا ندع ابنائنا وابناءکم ونسائنا ونسائکم وانفسنا وانفسکم» (آل عمران 61) ماجرای مباهله را چنین یاد می کند:

«آن روز که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله برای مباهله به صحرا رفتند دست حسن و حسین

عليهما السلام را گرفته و فاطمه عليها السلام و علی علیه السلام از پس ایشان به راه افتادند «رسول ایشان را با پناه خود گرفت و گلیم بر ایشان پوشانید و گفت: اللهم ان هؤلاء اهلی، جبرئیل آمد و گفت: یا محمد و انا من اهلکم چه باشد یا محمد اگر مرا بپذیری و در شمار اهل بیت خویش آری؟ رسول صلی الله علیه و آله گفت: یا جبرئیل و انت منا.» (14)

پیوند ملکوتی

ازدواج سیده عالم یعنی پیوند نور با نور و انتقال زهره زهرا عليها السلام از بیت نبوت به منزل امامت در واقع سرآغاز ظهور انوار پاک یازده گوهر تابناک برج امامت بود که باشکوهی الهی در زمین و شوری ملکوتی در آسمان برگزار گردید. در فضیلت حضرت علی علیه السلام بر دیگر خواستگاران فاطمه عليها السلام پیامبر اکرم فرمود: «لولا علی لم یکن لفاطمة کفو.» (15)

پیام ملکوتی همسری حضرت علی و فاطمه را فرشته ای شگرف به نام محمود به رسول اکرم رسانید. پیامبر پرسید: «یا محمود چه کار را آمده ای؟ گفت: جئتک لتزویج النور من النور. آمده ام تا نور را به نور دهی. گفتم: آن نور کدام است که او را به نور دهم. گفت: تزویج فاطمة من علی فاطمه عليها السلام را به علی علیه السلام دهی که خدای تعالی این عقد را در آسمان ببست.» (16)

آن گاه فرمان آمد، ای مقربان درگاه ای خاصگیان پادشاه سوره «هل اتی علی الانسان» بخوانید. ایشان همه به آوازی دلربای و الحان طرب فزای سوره «هل اتی» خواندن گرفتند و درخت طوبی بر خود بلرزید و در بهشت گوهر و مروارید و حله ها باریدن گرفت.» (17)

روز بعد از ازدواج وقتی زنان قریش برای تهنیت آمدند حضرت فاطمه جامه ای فاخر بر تن داشت که آنان متحیر بماندند گفتند: «یا فاطمه این حله از کجا آوردی که همانا در دنیا نباشد و ما ندیدیم و نشنیده؟ گفت: هذا من عندالله از نزد خداست.» (18)

رشیدالدین فضل الله میبیدی در پیوند همسری حضرت علی علیه السلام با حضرت فاطمه عليها السلام سخنان زیر را نیز می افزاید: فرشته ای فصیح به نام راحیل بر منبری سپید برآمد و خدای را ثنا گفت آن گاه خداوند ذوالجلال بی واسطه ندا کرد که: ای جبرئیل و ای میکائیل شما دو گواه باشید که من فاطمه زهرا عليها السلام را به زنی به علی مرتضی دادم.» (19) چون فرشته این بشارت را به حبیب خدا داد آن حضرت مهاجر و انصار را خواندند و روی به علی علیه السلام کردند و فرمودند: «یا علی چنین حکمی در آسمان رفت اکنون من فاطمه عليها السلام دخترم را به چهارصد (20) درم کاوین به زنی به تو دادم.» (21)

حضرت فاطمه زهرا عليها السلام سیده النساء العالمین

حضرت زهرا مرضیه در خانه نبوت و مرکز وحی تربیت شد پدری چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، همسری چون علی مرتضی، و فرزندانی چون حسنین داشت. روزی زنان قریش با همسران رسول صلی الله علیه و آله از حسب و نسب خویش و مفاخرت قوم خود سخن می گفتند. چون فاطمه عليها السلام وارد جمع شد همه ساکت شدند یکی از ایشان گفت: «چرا حدیث رها کردی؟ گفتند: برای آن که در پیش او حدیث حسب و نسب کردن محال باشد، دیگری گفت: ما بالکم یا بنی هاشم... چیست ای بنی هاشم که همه سیادت جمع کردی خود را و گوی سیادت از همه عالم بربودی، اما پدرت سید ولد آدم است. و اما تو سیده زنان جهانی. اما شوهرت سید

عرب است و اما فرزندان سیدان جوانان بهشتند و اما مت حمزه سید شهیدان است.» (22) بدین جهت پاره ای از مفسران آیه «نسبا و صهرا» را در شان حضرت علی علیه السلام دانسته اند که امیرالمؤمنین جامع سبب و نسب بود «و هیچ کس را از صحابه این هر دو بیک جای نبود.» (23)

حضرت محمدصلی الله علیه وآله و فاطمه علیهاالسلام

از سخنان و شیوه رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با فاطمه زهراى مرضیه علیهاالسلام پی می بریم که علاوه بر محبت فطری پدر و فرزندی، ملکات انسانی و فضایل معنوی، دینداری و پارسایی ام الائمه حضرت فاطمه علیهاالسلام موجب اصلی جلالت و عظمت قدر آن بزرگوار نزد پدر بوده است. محدثان و مفسران قرآن در باب عظمت کفو ولایت و مصداق روشن: «انا اعطیناک الکوثر». روایات متعددی نقل کرده اند که در این جا به ذکر چند نمونه از تفسیر روض الجنان (ابوالفتوح رازی) و تفسیر کشف الاسرار میبیدی اکتفا می شود.

1 - حضرت فاطمه مادر امامان

در خبر است که رسول شبی به نزدیک خدیجه علیهاالسلام بود و او سخن می گفت: رسول گفت: یا خدیجه من تکلمین؟ با کی سخن می گویی؟ گفت: ای رسول الله با این جنین که در شکم دارم. رسول گفت: بشارت باد تو را که جبرئیل مرا بشارت داد که مادینه است و مادر امامان است.»

2 - خانه فاطمه علیهاالسلام

اتاقی گلین و کوچک با معنویتی بی کرانه است که تجلیگاه نور الهی و مصداق بارز آیت قرآنی «فی بیوت اذن الله» است. «یک روز رسول -علیه السلام- این آیت می خواند مردی برخاست و گفت: این خانه ها کدام است؟ گفت: بیوت الانبیاء، خانه های پیغامبران است. ابوبکر برخاست و گفت: یا رسول الله خانه فاطمه و علی از این جمله هست؟ گفت: هو من افاضلها، خانه ایشان فاضلترین خانه های ایشان است.» (25)

3 - محبت حضرت محمدصلی الله علیه وآله و اطاعت فاطمه علیهاالسلام

علاقه و احترامی که رسول الله نسبت به فاطمه علیهاالسلام اظهار می داشتند در تاریخ رابطه پدر و فرزندی بی نظیر است. از جمله عادت های پیامبر اکرم چنان بود که در ابتدا و بازگشت از سفر به دیدار فاطمه علیهاالسلام می رفتند، روزی پیامبر اکرم به دیدار فاطمه علیهاالسلام رفتند و آن روز بر در سرای گلیمی خیبری آویخته بود، چون آن را دیدند، بازگشتند، فاطمه علیهاالسلام برخاست و به حجره رسول آمد و از سبب پرسید؟ حضرت فرمودند: «یا فاطمه من بر عادت آن جا آمدم و لکن در سرای تو بر رسم جباران دیدم پرده فروگذاشته بازگشتم [فاطمه علیهاالسلام] برفت پرده از در سرای دور کرد.» (26)

4 - فاطمه علیهاالسلام و سجود پیامبرصلی الله علیه وآله

در ابتدای دعوت پیامبر اکرم به اسلام کفار دندان مبارک حضرت را شکستند و خاک و پلیدی بر او می ریختند و حضرتش را ساحر و کاهن و مجنون می خواندند. در تفسیر آیه مبارکه «ان الذین یؤذون الله ورسوله». (سوره احزاب / 57) از قول عبدالله مسعود نقل شده است که گفت: «دیدم رسول خدا را در مسجدالحرام سر به سجود نهاده که کافری شکنجه شتر میان دو کتف وی فروگذاشت رسول سر از زمین برنداشت تا آن گه که فاطمه زهرا علیهاالسلام بیامد و آن از کتف وی بینداخت.» (27)

5 - فاطمه زهرا علیهاالسلام و اندوه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

آن روز که جبرئیل آیه «ان جهنم لموعدهم اجمعین» (سوره حجر / 43) را آورد حضرت اندوهناک شدند و بسیار

گریستند و هیچ کس از صحابه زهره نداشت که از سر آن تاثیر شدید جویا شود. عبدالرحمن عوف می دانست که رسول خدا به دیدار فاطمه آسایش می یابد از حضرت فاطمه درخواست نمود تا از پیامبر اکرم سبب این اندوه بزرگ را بپرسد. پیامبر در جواب به فاطمه علیهاالسلام فرمودند: چه پرسى از آنچه وهم و فهم هیچ کس بدان نرسد؟ چون حضرت اشاره ای به ابواب جهنم و چگونگی درکات دوزخ کردند «فاطمه علیهاالسلام بیفتاد و بیهوش شد چون به هوش باز آمد گفت: «الویل الویل لمن دخل النار». (28)

6 - دوستی فاطمه علیهاالسلام

چون قریش پیمان حدیبیه را شکستند ابوسفیان را برای عذرخواهی نزد پیامبر فرستادند. او خواست از علاقه پیامبر به حضرت فاطمه به نفع خود سود جوید این بود که به در خانه فاطمه علیهاالسلام رفت و ماجرا را گفت، آن حضرت به او گفتند: «این کار بزرگتر از آن است که حدیث زنان در آن گنجد.» (29)

7 - فاطمه علیهاالسلام و نوازش یتیم

مفسران قرآن کریم آیه «ویسئلونک عن الیتامی» (سوره بقره 55) را تأکیدی به «اصلاح کار و مال» (30) و نیکی به یتیمان دانسته اند. «روزی مهتر عالم یتیمی را دیدند که کودکان او را سرزنش می کنند و او می گرید و در خاک می غلتد، چون حضرت سبب درماندگی او را پرسیدند. گفت: پدرم روز احد کشته شد، خواهرم فرمان یافت و مادرم شوهر کرد و مرا براند حضرت رسول گفتند: ای غلام اندوه مدار من که محمدم پدر توام و فاطمه خواهر تو و عایشه مادر تو... آن گاه مصطفی دست وی گرفت و به خانه فاطمه برد و گفت: یا فاطمه علیهاالسلام این فرزند ماست و برادر تو، فاطمه علیهاالسلام برخاست و او را بنواخت خرما پیش وی بنهاد...» (31)

8 - حجاب حضرت زهرا علیهاالسلام

پوشیدگی زن از دید نامحرم یک فرمان قرآنی است. در گذشته برای بیان این مفهوم خصوصا در فقه واژه «ستر» (32) را به کار می بردند. سعدی شاعر خوش سخن هم در معرفی زن پارسا چنین گفته است: «چو مستور باشد زن و خو بروی به دیدار او در بهشت است شوی» (33) و در تفسیر هم چنین می خوانیم:

«در خبر است که روزی رسول در حجره فاطمه -علیهاالسلام- بود. مردی نابینای مادرزاد در بزد. رسول گفت: درآی، او درآمد فاطمه علیهاالسلام برخاست و در خانه رفت و تا او بنرفت از خانه بیرون نیامد. رسول بر سبیل امتحان گفت: یا فاطمه چرا از او پنهان شدی و او چیزی نبیند؟ گفت: یا رسول الله اگر مرا نبیند، من او را بینم. ایس الله تعالی قال: «وقل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن ویحفظن فروجهن». رسول -علیه السلام- گفت: الحمدلله ارانی فی اهل بیتی ما سرنی؛ سپاس آن خدای را که با من نمود در اهل البیت من آنچه مرا خرم بکرد.» (34)

حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام

بزرگان علم و عالمان دین در شناخت شانی از شؤون حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیهاالسلام درمانده اند. ما از طریق روایاتی چون: «احب النساء الی رسول الله فاطمة و من الرجال علی علیه السلام» و (... فمن عرف فاطمة حق معرفتها فقد ادرك ليلة القدر و انما سميت فاطمة لان الخلق فطموا عن معرفتها» (35) گوشه ای از عظمت این دو عزیز را باز می نماییم و از میان انبوه روایات تنها به ذکر چند روایت از تفسیر روض الجنان و کشف الاسرار اکتفا می نماییم.

1 - یاری و پرستاری فاطمه علیهاالسلام

در جنگ احد که رسول اکرم و حضرت علی علیه السلام جراحاتی برداشتند حضرت فاطمه علیها السلام چهره مبارک پدر و روی نازنین همسر را شست. در همین غزوه شجاعت و فداکاری علی علیه السلام تا آنجا جلوه نمود که جبرئیل از آسمان آواز داد: «لأسيف إلا ذوالفقار ولافتی إلا علی» پس از جنگ آن تیغ را به فاطمه علیها السلام داد و گفت: «بستان این شمشیر را که امروز با من وفا کرد.» (36)

2 - دعای حضرت محمدصلی الله علیه وآله

پیامبر اکرم در پاسخ به طعنه زنان قریش که به حضرت زهرا علیها السلام گفته بودند: پدرت تو را به مردی درویش داده است چنین فرمودند: «بدان که این زنان که این گفتند نه بر طریق شفقت گفتند. من تو را به مردی دادم که «اقدمهم سلما و اکثرهم علما واعظمهم حلما» به اسلام از همه پیشتر است و به علم از همه بیشتر و به حلم از همه عظیمتر. آن گه دعا کرد ایشان را و گفت: بار خدایا جمع ایشان مجتمع دار و دلهایشان به هم آر و فرزندان ایشان را وارثان بهشت نعیم کن.» (37)

3 - شمه ای از فضایل حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام

در وجود مبارک حضرت فاطمه فضایل بیشمار جمع است و زندگانی آن بانوی دوسرای در همه ابعاد نمونه است، از جمله پایداری آن اسوه کامل در تنگدستی و هجوم فقر مادی است؛ آورده اند: «یک روز امیرالمؤمنین -علیه السلام- در حجره فاطمه شد او را یافت که حسن و حسین را می خوابانید و ایشان نمی خفتند از گرسنگی، فاطمه گفت: یابن عم رسول الله! بنگر تا چیزی که به دست آری برای این کودکان که از گرسنگی بنمی خسبند و سه روز است تا طعام نخورده اند؟

امیرالمؤمنین از خانه به در آمد و بنزدیک عبدالرحمن عوف شد و او را گفت: دیناری زر به قرض مرا ده. عبدالرحمن دست در کیسه کرد و دیناری از آن برداشت و به امیرالمؤمنین داد او بستد. امیرالمؤمنین به بازار آمد تا چیزی بخرد مقداد را بر سر راه دید از حالش جويا شد، دیناری که به قرض گرفته بود به او داد و گفت: تو اولیتری که تو چهار روز است که چیز نیافته ای و ما سه روز. مقداد آن بستد و برفت، امیرالمؤمنین به مسجد رسول آمد. در شان او و این قصه، آیت آمده بود که: «ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة و...» (حشر 9/ 38)

4 - پیوستن دو دریا

بعضی از اهل اشارت در تفسیر: مرج البحرين يلتقيان (سورة الرحمن 19/ 19) نوشته اند مقصود از بحرین، فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام است. و بینهما برزخ (محمدصلی الله علیه وآله) «یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان،» الحسن والحسین علیهما السلام است.

و نیز گفته اند: از تخصیصات و تشریفات آدمی یکی آن است که در نهاد وی دو بحر آفریده اند یکی بحر سر، دیگر بحر دل، این اشاره است به آیه مرج البحرين و بحرین این جا خوف و رجاست عامه مسلمانان را و بحر قبض و بسط خواص مؤمنان را و بحر هیبت و انس انبیاء و صدیقان را.» (39)

5 - حضرت فاطمه علیها السلام خاتون قیامت

میبدی در تفسیر آیه شریفه: «انما ولیکم الله و رسوله» (سوره مائده 55/ 55) با استناد به حدیث: «من کنت مولاه فعلى مولاه» ولایت دین را اجل ولایات می داند و در فضیلت علی علیه السلام چنین می نویسد: «علی مرتضی ابن عم مصطفی شوهر خاتون قیامت فاطمه زهرا علیها السلام که خلافت را حارس بود و اولیاء را صدر و بدر بود...» (40)

در تفسیر کشف الاسرار علاوه بر آنچه گذشت نام و یاد حضرت فاطمه علیها السلام مکرر (41) آمده است، برای

کوتاهی سخن به ذکر پاره ای بسنده شده است.

تاکید احادیث و هم‌آوازی علمای اهل سنت با شیعیان در دوستی اهل بیت موجب پیدایش اشعاری در مدح حبیبه خدا حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام شده است که گزیده ای از آن اشعار را می توان در کتاب مناقب فاطمی (42) مشاهده نمود، البته انعکاس انوار ولایت از مشکوة وجود حضرت زهرا علیهاالسلام در لابه لای دیوان شاعران نیک نهاد ما به چشم می خورد. از آن شمار است شعر عطار نیشابوری که در آن ماجرای بیان احوال فاطمه علیهاالسلام به رسول اکرم و تعلیم تسبیح نماز به صدیقه کبری آمده است پاره ای از آن ابیات چنین است:

«فاطمه خاتون جنت ناگهی پیش سید رفت در خلوتگهی گفت کرد از آس دستم آبله یک کنیزک از تو می خواهم صله تا مرا از آس رنجی کم رسد تا کی ام از آس چندین غم رسد؟ آس گردونم چو یک ارزن بود آس کردن خود چه کار من بود وی عجب در پیش صدر روزگار بود آن ساعت غنیمت بی شمار دست بگشاد و ببخشید آن همه هیچ نگذاشت از برای فاطمه یک دعاش آموخت زیبا و عزیز گفت این بهتر تو را زآن جمله چیز انس حضرت جانفزایت بس بود تا که تو هستی خدایت بس بود» (43)

در تعلیم تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام نوشته اند: پس از مراسم باشکوه شب ازدواج آن حضرت که همسران پیامبر و زنان مهاجر و انصار همه به خانه های خود برگشتند فقط اسماء نزد آن حضرت ماند، چون حضرت فاطمه از خدمت چندین روزه اسماء شرمگین بود تقاضای خادمه ای کرد، پیامبر فرمود: خادمه ای خواهی یا چیزی که از خادمه بهتر باشد؟ گفت: و آن چیست یا رسول الله؟ گفت: آن که به عقب هر نماز سی و چهار بار تکبیر کنی و سی و سه بار تسبیح و سی و سه بار تحمید این بر زبان صد است و در ترازو هزار یا فاطمه هیچ کس نباشد که هر بامداد و شبنگاه این تسبیح بکند و الا خدای تعالی او را مهمات دنیایی و آخرتی کفایت کند.» (44) آنچه برای ما پس از سپری شدن قرنهای شایان توجه می باشد این است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله بجای بخشش خادمه تسبیحی تعلیم فرزندش نمود که فیض آن جاودانه است چنان که هم اکنون، امت اسلام تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام را بعد از هر نماز می خوانند و نام آن دخت پارسا و انسیه حورا تا آفتاب می درخشد و مسلمانی نماز گزارد برجاست و از برکات آن تسبیح و تحمید روح مقدسش بهره مند می گردد. زندگانی کوتاه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام نمودار نورانی صفات حسنه است انعکاس احادیث نبوی و سخنان ائمه هدی در تفسیر روض الجنان و کشف الاسرار نمایانگر گوشه ای از فضایل زهراى مرضیه است و این سخن درست است که بزرگان علم و ادب و عرفان و کلام... از بیان شانی از شؤون این گوهر تابناک و اسوه راستین اسلام ناتوانند و در این مقام ابیات زیر بیان حال همگان است که گفت:

«وصف تو بگذشت از قدر عقول عقل در شرح شما شد بوالفضول گرچه عاجز آمد این عقل از بیان عاجزانه جنبشی باید در آن» (45)

والسلام

پی نوشت ها :

- 1- رکنی، محمد مهدی، جلوه های تشیع در تفسیر کشف الاسرار؛ یادنامه علامه امینی به اهتمام سید جعفر شهیدی، محمدرضا حکیمی، تهران، مؤسسه انجام کتاب، 1361، ص 165-230.

2- سوره اعراف./ 21

3- سوره اعراف ./ 20

4- سوره بقره ./ 37

5- الخزاعی النیشابوری، حسین بن علی بن محمد بن احمد، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن به تصحیح محمد جعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح، بیست جلد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، 1371، ج 1، ص 228.

6- جلاله محمود بن عمر الزمخشري، الکشاف، بیروت، دارالکتاب العربی، ربیع الاول، 1366، ج 6، ص 220.

7- ابوالفضل رشیدالدین میبدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، ده جلد، دانشگاه تهران، 1331-1339، ج 9، ص 23.

8- سید عبدالحسین شرف الدین، الكلمة الغرا فی تفضیل الزهرا، ترجمه محمد بیدارفر، انتشارات الزهرا، تهران، 1362، ص 50.

9- ابوالفضل رشیدالدین میبدی، همان کتاب، ج 8، ص 45.

10- الخزاعی النیشابوری، همان کتاب، ج 15، ص 419.

11- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، یکصدوده جلد، داراحیاء التراث العربی، 1403، ج 17، ص 262.

12- ابوالفضل رشیدالدین میبدی، همان کتاب، ج 2، ص 151.

13- الخزاعی النیشابوری، همان کتاب، ج 4، ص 363.

14- ابوالفضل رشیدالدین میبدی، همان کتاب، ج 2، ص 147 و 151.

15- محمدباقر مجلسی، همان کتاب، ج 43، ص 145.

16- الخزاعی النیشابوری، همان کتاب، ج 14، ص 243.

17- ابوالفضل رشیدالدین میبدی، همان کتاب، ج 7، ص 50.

18- الخزاعی النیشابوری، همان کتاب، ج 14، ص 275.

19- ابوالفضل رشیدالدین میبدی، همان کتاب، ج 7، ص 50.

20- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، چاپ دوم، المكتبة الاسلامیه، 1362، ج 43، ص 105. در این حدیث مهر حضرت فاطمه علیهاالسلام پانصد درهم آمده است: «.. مهر جدته فاطمه و هو خمس مائه درهم جیاد».

21- رشیدالدین فضل الله، همان کتاب، ج 7، ص 51.

22- الخزاعی النیشابوری، همان کتاب، ج 5، ص 400.

23- همان، ج 14، ص 243.

24- همان، ج 17، ص 122.

25- همان، ج 14، ص 152.

26- همان، ج 17، ص 265.

27- ابوالفضل رشیدالدین، همان کتاب، ج 8، ص 87.

28- همان، ج 5، ص 330.

29- همان، ج 10، ص 647.

30- ابوالمحاسن الحسین بن الحسن الجرجانی، تفسیر گازر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان، به تصحیح میرجلال

- الدین حسینی ارموی، تهران، ناشر: مهرآیین، 1378، ج 1، ص 277.
- 31- ابوالفضل رشیدالدین، همان کتاب، ج 1، ص 595.
- 32- شهید مرتضی مطهری، مساله حجاب، نشریه انجمن اسلامی پزشکان، تهران، 1348، ص 73.
- 33- مصلح الدین سعدی شیرازی، کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، 1320، ص 355.
- 34- الخزاعی النیشابوری، همان کتاب، ج 14، ص 124.
- 35- محمد باقر مجلسی، همان کتاب، ج 43، ص 38 و 65.
- 36- الخزاعی النیشابوری، همان کتاب، ج 5، ص 43.
- 37- همان، ج 14، ص 273.
- 38- همان، ج 4، ص 45 و 46.
- 39- ابوالفضل رشیدالدین، همان کتاب، ج 9، ص 412، 421.
- 40- همان، ج 3، ص 150.
- 41- محمد جواد شریعت، فهرست کشف الاسرار، ناشر: امیرکبیر، تهران، 1363، ص 955.
- 42- احمد احمدی بیرجندی، مناقب فاطمی در شعر فارسی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، 1369.
- 43- فریدالدین عطار نیشابوری، مصیبت نامه، به اهتمام نورانی وصال، ناشر کتابفروشی زوار، تهران، 1364، ص 41.
- 44- الخزاعی النیشابوری، همان کتاب، ج 14، ص 274.
- 45- جلال الدین محمد مولوی، مثنوی به تصحیح رینولد نیکلسون، به اهتمام نصرالله پورجوادی، انتشارات امیرکبیر، تهران، 1363، ج 3، ص 3.